

## ترور حجاریان، نقطه عطفی در تاریخ اصلاح طلبی ایران

کلی پیش گفته به دنبال داشته است، در سطحی گسترده روشن می‌شود و مبانی عزمی عمومی در رویگردانی صریح و کامل از تمامی رفتارهایی که با این اصول مغایرت اساسی دارند شکل می‌گیرد.

از این پس نوع نگرش تاریخی ما نسبت به رخدادهایی از این دست نیز لاجرم دگرگون خواهد شد؛ آیا هنوز هم می‌توان ترور ناصرالدین‌شاه را سرآغاز فصلی نو در پایان دادن به عصر استبداد تلقی کرد، بر سرمزار عباس آقا تمبریزی ضارب امین‌السلطان گرد آمد و اقدام وی را ستود، آیا از خود نمی‌پرسیم که چرا در پی موج گسترده ترورهای سیاسی دوره دوم مجلس شورای ملی واکنش اجتماعی در خورتوجهی در قبال آن صورت نگرفت، آیا تروریسم کمیته مجازات را هنوز در زمینه حرکت‌های ملی و رهایی‌بخش عصر خود می‌دانیم، آیا به راستی از این اقدام مجلس شورای ملی نباید در شگرف بود که طی تصویب ماده واحده‌ای قاتل رزم‌آرا را تبرئه کرد، آیا جنبش چریکی دهه ۱۳۵۰ را هنوز هم باید دوران اعتلای مبارزه بر ضد رژیم تلقی کرد؟

چرخشی که با جنبش اصلاح‌طلبی ایران در سال‌های پایانی قرن نوزدهم آغاز شد، با انقلاب ۱۳۵۷ دور خود را کامل کرد. تحولی که اینک عرصه سیاسی و اجتماعی ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داده است اگر

خواست اصلاح و دگرگونی و در پی آن لزوم استقرار قانون به عنوان پایه و اساس یک نظام سیاسی و اجتماعی نو، موضوعی است با یک سابقه تاریخی طولانی که سرآغاز وجه مشخص و سازمان‌یافته طرح و بحث آن در ایران لااقل به یکصد سال پیش برمی‌گردد و طلیعه حرکتی که در مراحل بعد به نهضت مشروطیت ایران منجر شد، با این حال و به رغم چنین پیشینه‌ای، تغییر و تبدیل این خواست و تمایل از یک رشته اصول کلی به مجموعه‌ای از مضامین و مفاهیم مشخص، مستلزم گذشت مدت زمانی طولانی بوده است. معنای واقعی تعهدات و مسئولیت‌هایی که استقرار یک نظم جدید سیاسی و اجتماعی، به دنبال دارد به یک‌بار حاصل نشده است.

ترور سعیدحجاریان در آستانه سال نو و حرکت اجتماعی گسترده‌ای که در واکنش به این جنایت سیاسی شکل گرفت، خود یکی از نمونه‌های آشکار آن است که بالاخره پس از گذشت یکصد سال و اندی از نشر قانون ملک‌خان؟ و دست به دست شدن "قانون"، رساله یک کلمه، یوسف خان مستشارالدوله و انبوهی از دیگر بیانات مشابه تازه اینک معنای دقیق و مشخصی که این رشته اصول

چه از لحاظ مبانی فکری با آن چه یکصد و اندی سال پیش موجب و موجب نهضت مشروطه شد سختی فراوان دارد، ولی در واقع حرکتی است به مراتب متفاوت از آن. آنچه در آن دوره بیشتر به صورت یک اقتراح، طبع آزمایی این رجل دلسوخته و آن مصلح خیرخواه مطرح شد و نظر به التهابات اجتماعی و سیاسی وقت، بی آن که فرصت تدقیق و تعمیق یابد، زمینه ساز یک حرکت گسترده سیاسی شد که شتاب حاصل از آن آن تحولات کشور را تا بیش از یکصد سال دیگر نیز شکل داد. ولی اینک همان اصول و عقاید، همان خواست اصلاح طلبی، اما در وضعیتی به کلی متفاوت از پیش، چرخشی دیگر را آغاز کرده است.

تفاوت کار بسیار است؛ اینک جامعه ایران برخلاف عصر ناصری، جامعه‌ای است اساساً شهرنشین و برخوردار از یک طبقه متوسط گسترده و تحصیل کرده... علاوه بر این - و تا بدان جایی که به این یادداشت مربوط می‌شود - در تلاش حاکمیت قانون و تحقق آمال نهفته در رساله یک کلمه، اجرا و اعمال قانون اساسی و متمم آن... از یک تجربه گرانمایه تاریخی نیز برخوردار است. اکنون این خواسته کلی و فراگیر خود را به صورت مجموعه منسجمی می‌نمایاند از یک رشته داده‌های دقیق و مشخص و الزامات اجتماعی و سیاسی صریحی که به دنبال دارند.

اینک کاملاً می‌توان امیدوار بود که مین بعد نه فقط ترور چهره‌های کارسازی چون سعید حجاریان، گنه اصولاً هرگونه عمل تروریستی به هر عنوان و بهانه‌ای، بدون اندک تردید و تأملی در پیشگاه افکار عمومی جامعه محکوم تلقی گردد.

یک چنین اعراض صریحی از تروریسم، لاجرم رویکرد ما به پیشینه تاریخی تروریسم را نیز تحت تأثیر خواهد داشت. دیگر فقط ترور میرزاده عشقی و محمد مسعود و دیگر چهره‌های "خودی" تاریخ معاصر مذموم و ناپسند نیست، هر نوع عملی در این ردیف مغایر قانون، و هذا محکوم و مردود خواهد بود.

مکتوبه ۱۳۶

کاوه بیات

## حجاریان و توسعه سیاسی

ترور پایان سیاست است در عرصه سیاست داخلی - همچنان که جنگ در عرصه سیاست خارجی، ترور راهی است برای بستن باب سیاست و گشودن باب خشونت. و از این میان چه سربرمی‌آورد؟ جامعه‌ای منشئت و متشنج و ملتهد و بی‌سامان. جامعه‌ای که دیگر خرد و سیاست در آن موازنه را برقرار نمی‌سازند و نیروهایی تعیین